

401 – Giving Warnings and Cautions

دادن هشدارها و احتیاط‌ها

GLOSSARY

واژه نامه

to move out از خانه والدین بیرون رفتن

* Many Americans move out on their own when they are 18 years old.

بسیاری از آمریکایی‌ها وقتی 18 سال دارند از خانه والدین خود بیرون می‌روند.

cramped گرفته

* Their little economy car began to get more and more cramped as their family grew.

ماشین کوچک جمع و جورشان گرفته و گرفته‌تر شد وقتی که خانوادشان بیشتر می‌شدند.

watch out for (something) مراقب بودن از چیزی

* Watch out for the cars when you cross the street! They drive too quickly here.

هنگام عبور از خیابان مراقب اتومبیل‌ها باشید! آنها خیلی سریع در اینجا رانندگی می‌کنند.

to trip گل پای کسی گرفتن

* Carolina didn't see the step there and she tripped over it.

کارولینا پله را آنجا ندید و گل پایش گرفت.

do not cross عبور کردن ممنوع

* After the murder, the apartment's front door was covered with Do Not Cross tape because no one but the police was allowed to enter.

پس از قتل، درب جلو آپارتمان با نوار عبور کردن ممنوع پوشانده شده بود زیرا هیچ کس جز پلیس اجازه ورود ندارد.

cupboard قفسه

* In which cupboard do you keep the flour and sugar?

آرد و شکر را در کدام یک از قفسه ها نگه می دارید؟

be careful مراقب باشید

* Be careful when you open that can of soda because it was moving around a lot in the car and it might explode.

هنگام باز کردن آن قوطی نوشابه گازدار مراقب باشید زیرا زیاد در ماشین تکان می خورد و ممکن است از هم بیاشد.

short on (something) کمبود

* The hikers were short on water, so they decided to limit themselves to one small bottle every two hours.

کوهنوردان از نظر آب کمبود داشتند ، بنابراین تصمیم گرفتند خود را هر دو ساعت به یک بطری کوچک محدود کنند.

to watch (one's) step مراقب جلوی پای خود بودن

* Watch your step! There are a lot of dogs around here and I don't want you to get your new shoes dirty.

مراقب جلوی پایتان باشید! سگ های زیادی در اطراف اینجا وجود دارند و من نمی خواهم کفش های نو خود را کثیف کنید.

to pay attention توجه کردن

* Do you pay attention to the international news, or just the local news?

آیا به اخبار بین المللی توجه می کنید یا فقط اخبار محلی؟

watch your head مراقب سر خود باشید

* Watch your head! The ceilings are very low here and tall people sometimes hit their head on them.

مراقب سر خود باشید! سقف ها در اینجا بسیار کوتاه است و افراد قد بلند گاهی اوقات سرشان به آن برخورد می کند.

heads up توجیه

* Didn't anyone give you the heads up about how difficult it can be to work for Beatrix?

کسی تو را توجیه نکرده که چقدر میتواند دشوار باشد برای بیتریکس کار کنی؟

look out مراقب باشید

* Look out! That dog bites people who get too close to it.

مراقب باش! آن سگ افرادی که خیلی به آن نزدیک شوند را گاز می گیرد.

dangerous خطرناک

* It is dangerous to drive long distances without enough sleep.

رانندگی مسافت های طولانی بدون خواب کافی خطرناک است.

alert هوشیار

* He thinks that drinking coffee every morning makes him more alert at the office.

او فکر می کند که نوشیدن قهوه هر روز صبح او را در دفتر هوشیارتر می کند.

[start of dialogue]

شروع مکالمه

Brett: Hi, Mom. Come in. Welcome to my new place. My roommates aren't here right now or

اُر نُو رایت هیپر آرنت رومیترز مای پلیس نیو مای تو ولکام این کام مام های

I'd introduce you.

یو اینتردوس آید

برت: سلام مامان. بیا تو. به خونه جدیدم خوش اومدی. هم اتاقیام الان نیستند وگرنه بهت معرفی میکردم.

Mom: Hi, dear. This is...uh...nice.

نایس آه ایز دیس دیپر های

مامان: سلام عزیزم. این خونه ... اوه ... خوبه.

Brett: It is, isn't it? I know you were a little worried about me moving out and into a house with

ویذ هوس ا اینتو آند اوت مووینگ می اِبوت وُرید لِیل ا ور یو ن ایت ایزنت ایز ایت

five roommates. But as you can see, this is a nice place. Let me give you a tour.

تور ا یو گیو می لت پلیس نایس ا ایزدیس سی گن یو آز بات رومیتز فایو

برت: خوبه یا نه؟ من می دونم که به کم نگرونی وقتی از خونه اومدم بیرون و با پنج تا هم اتاقیام خونه گرفتم. اما همونطور که می بینی، جای خوبیه. بذار نشونت بدم.

Mom: Oh, okay. Isn't it a little cramped in the house with six people?

پیل سیکس ویذ هوس ذ این کرمت لِیل ایت ایزنت اکی اِه

مامان: اوه، باشه. این خونه با شش نفر به کم گرفته نیس؟

Brett: No way! Come on. I'll show you the rest of the house. Let's go this way to the kitchen.

کیچن ذ تو وی دیس گ لیز هوس ذ ا ورست ذ یو ش ایل آن کام وی ن

Watch out for that hole in the floor. I don't want you to trip. And don't worry about the "Do Not

نات دو ذ اِبوت وری دُنت آند چرپ تو یو وانت دُنت ای فلر ذ این هل دت فر اوت واچ

Cross – Police Line" tape. It's just a joke.

جک ا جاست ایتز تیپ لاین پلیس کراس

برت: ابد! بیا دیگه. بقیه خونه رو بهت نشون میدم. بیا بریم آشپزخونه از این طرفه. مراقب سوراخ کف اتاق باش. نمی خوام پات گیر کنه و نگرور اون نوار "عبور ممنوع - خط پلیس" نباش. این فقط یه شوخیه.

Mom: This is the kitchen? Why are all of your dishes on the floor? What do you keep in your

یر این کیپ یو دو وات فلر ذ آن دیشیز یر او آل آر وای کیچن ذ ایزدیس

cupboards?

کابردز

مامان: این آشپزخونست؟ چرا همه ظرفاتون رو زمینه؟ تو قفساتون چی نگه می دارید؟

Brett: Be careful opening them! We're short on closet space so some of the guys keep their

ذِئْر كِیپْ گایزِ ذِ آو سامِ سُوْ اِسپیسِ کلازِتِ آنِ شُرْتِ وِیرِ ذِمِ اُنپِنِیْگِ کِرْفُلِ بِیِ
clothes and shoes in them. You never know what you'll find if you open one. We just have to

تو هُو جاستِ ویِ وانِ اُپِنِ یو ایفِ فایندِ یولِ واتِ نُ نورِ یو ذِمِ اینِ شوزِ آندِ کَلزِ

watch our step when we walk around the kitchen. Come on, I'll show you the bathroom.

بَثرومِ ذِ یوِ شُ ایلِ آنِ کامِ کیچِنِ ذِ اِرَوْنْدِ واکِ ویِ وِنِ اِسْتِپِ آرِ واچِ

برت: مراقب باش که اونو باز می کنی! ما کمبود فضای کمد داریم، برا همین بعضی از بچه ها لباس و کفششون رو تو اون
نگه می دارند. اصلا نمی دونی هر کدوم رو باز کنی چی پیدا می کنی. ما فقط باید مراقب جلوی پامون باشیم وقتی در
آشپزخونه دور میریم. بیا دیگه ، حموم رو بهت نشون بدم.

Mom: You only have one bathroom for six people?

پِیپِلِ سِکسِ فُرِ بَثرومِ وانِ هُوِ اُنلیِ یوِ

مامان: شما شش نفر فقط یه حموم دارید؟

Brett: We're guys so we don't really need more than one bathroom. I just have to pay attention to

تو اِیْنشِنِ پِیِ تو هُو جاستِ آیِ بَثرومِ وانِ دَنِ مُرِ نِیدِ رِیپِلِیِ دُنْتِ ویِ سُوْ گایزِ وِیرِ

when people take showers if I want enough hot water for my own shower. Watch your head!

هَدِ یُرِ واچِ شالرِ اُنِ مایِ فُرِ وادرِ هاتِ اینافِ وانتِ آیِ ایفِ شارژِ تِیکِ پِیپِلِ وِنِ

برت: ما بچه ایم ، پس واقعا به بیش از یه حموم احتیاج نداریم. من فقط باید حواسم باشه وقتی بچه ها دوش می گیرند آب
گرم کافی داشته باشم. سرتو بپا!

Mom: Too late for the heads up! Something just fell on my head.

هَدِ مایِ آنِ فِلِ جاستِ سامثِیْگِ آپِ هِدزِ ذِ فُرِ لیتِ توِ

مامان: برا این حرفا خیلی دیر شده! یه چیزی تازه رو سرم افتاد.

Brett: Oh, it's nothing. It's just a little problem with the ceiling.

سِیلِیْگِ ذِ وِیذِ پِرابِلِمِ لِدِلِ اِ جاستِ ایتزِ ناثِیْگِ ایتزِ اُه

برت: اوه ، چیزی نیست. فقط به کم سقف مشکل داره.

Mom: Look out! I think the ceiling is falling down! This place is dangerous!

دنجرس ایز پلیس دیس دن فالدینگ ایز سیلینگ ذ ثینک ای اوت لوک

مامان: مواظب باش. فکر کنم سقف داره میریزه! این خونه خطرناکه!

Brett: It's nothing. Don't worry. As long as we stay alert, this is a great place to live.

لیو تو پلیس گریت ایز دیس اِرت اِستی وی از لانگ از وری دُنت نائینگ ایتز

برت: چیزی نیست. نگران نباش. تا زمانی که هوشیار باشیم ، اینجا جای خوبیه برا زندگی کردن.

[end of dialogue]

پایان مکالمه